

بِسْمِ تَعَالَى
دَفَائِمَاتِ مُحَمَّدِ عَلِيِّ طَاهِرِي
در پاسخ به یکی از کتاب‌های ضمیمه کینفرخواست کذب و موهوسی

سندی بر:



جوابیه
عرفان حلقه

جوابیه کتاب « بی‌خدایی در عرفان حلقه »

جمع صفحات: سیزده برگ A4

نوزدهم بهارماه نردوش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دفاعیات محمدعلی طاهری

در پاسخ به یکی از کتابهای ضمیمه کیفرخواست کذب و موهومی

سندی بر:

بی‌خدایی

دشمنان

عرفان حلقه

جواییه کتاب «بی‌خدایی در عرفان حلقه»

جمع صفحات: سیزده برگه A4

نوزدهم تیرماه نود و شش

محمدعلی طاهری

نام کتاب: بی‌خدایی دشمنان عرفان حلقه
ناشر: انتشارات عرفان کیهانی (حلقه)
تاریخ انتشار: زمستان ۹۷

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است

All rights reserved. No part of this publication, may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without the prior permission of the copyright holder.

Copyright© 2016 MOHAMMADALI TAHERI

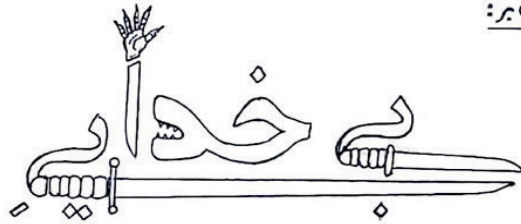
Published by Interuniversal Press

All Rights Reserved.

ISBN-13: 978-1-939507-08-2

بسمه تعالی
دفاعیات محمد علی طاهری
در پاسخ به یکی از کتاب‌های ضمیمه کثیرخواست کذب و موهومی

سندی بر:



عرفان حلقه

جوابیه کتاب «بن خدایان در عرفان حلقه»

جمع صفحات: سیزده برگ A4

نوزدهم تیرماه نوردوشن



محمد علی طاهری

بسمه تعالی

جوابیه کتاب «بی‌خدایی در عرفان حلقه» و اعلام شکایت از نویسنده آن (← پیوست ۲۸)

کتاب «بی‌خدایی در عرفان حلقه» نوشته آقای «حمزه شریفی دوست» از جمله کتابهایی است که کارشناسان امنیتی ثارالله به منظور مستند جلوه دادن اتهامات کذب انتسابی و مطالب واهی کیفرخواست و پر کردن خلأ ناشی از فقدان دلایل و مدارک معتبر جهت دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی من و موجه جلوه دادن اعمال و رفتار کارشناسان امنیتی در قبال اینجانب در افکار عمومی و ...

اما وجود این کتاب خود سند و مدرک محکمی دال بر مجرمانه بودن اقدامات این گروه می باشد که با توسل به تقلب، دروغ، افتراء، تهمت، تحریف، مغلطه و ... به شرح آتی در جهت نشر اکاذیب، ترور شخصیتی، افتراء و... که طبق فتاوی هفت تن از مراجع محترم تقلید [ضمیمه ۱۳] فعل حرام می باشد، در حالی که افتراها، اکاذیب و ... در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده که بدین وسیله ضمن شکایت از نویسنده این کتاب، از وزارت محترم ارشاد نیز به واسطه صدور مجوز برای این قبیل کتابهای سفارشی و فرمایشی شکایت خود را تقدیم می‌دارد.

در ضمن اینجانب از دادگاه سال ۹۰ به بعد مکرراً از کارشناسان امنیتی ثارالله (بویژه آقای رحیمی) درخواست نموده ام که در قبال کتابهایی که به منظور اهداف فوق الذکر و همچنین نشر اکاذیب، ترور شخصیتی و ... از طرف آنها چاپ و منتشر و ضمیمه کیفرخواست شده اند (به عنوان تحقیقات مستند!!!) اجازه پاسخگویی و دفاع به من داده شود ولیکن تاکنون بجز اجازه پاسخگویی به کتاب «افسون حلقه» [که در آبان ۹۱ تحویل کارشناس (آقای رحیمی) امنیتی گردید و لیکن سال ۹۵ به دنبال شکایت از ایشان کپی آن- که نسخه پیوست می‌باشد- به دادگاه تحویل شده است] امکان دفاع و پاسخگویی به سایر کتب و ... داده نشد؛ تا اینکه بنا به درخواست من از دادگاه کتاب «بی‌خدایی در عرفان حلقه» در تاریخ ۹۶/۰۲/۱۲ در اختیارم گذاشته شد که جوابیه مختصر آن- به علت عدم اجازه در اختیار قرار گرفتن صد برگ کاغذ A۴ که خانواده ام به بازداشتگاه تحویل دادند- به شرح پیوست ارائه می‌گردد.

همچنین از دادگاه محترم اجازه انتشار جوابیه کتبی را که بر علیه اینجانب و عرفان حلقه چاپ و منتشر شده‌اند بر طبق قانون مطبوعات و رعایت عدالت اسلامی می‌نماید زیرا در غیر این صورت ظلم آشکاری خواهد بود هرچند که وجود این کتب و ... خود استنادات محکمی در اثبات بی‌خدایی دشمنان عرفان حلقه می‌باشد.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۹۶/۰۴/۱۹

* ۱. ص ۵ :

«عرفان حلقه یکی از جریانهای معنویت‌گرا در کشور است که در چند سال اخیر دوره‌ها و کلاسهایش را با شعارهایی مانند درمان، فرادرمانی، اتصال به روح القدس برگزار کرده است».

- پاسخ:

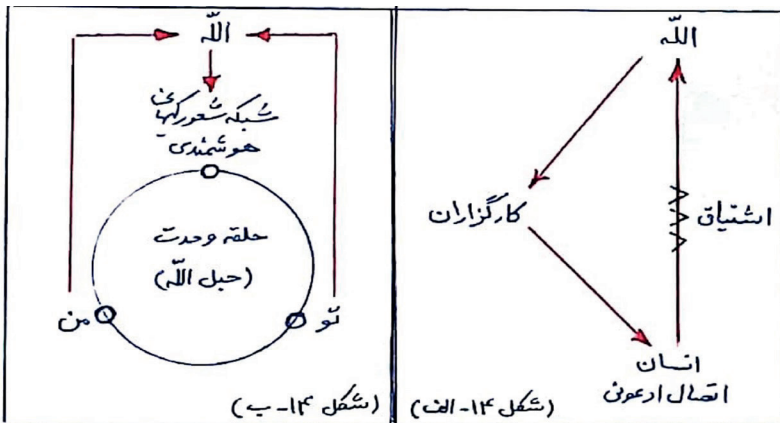
اولاً: عرفان حلقه هرگز شعار نداده و به هیچ وجه تبلیغات نداشته و کسانی که در دوره‌های آموزش عرفان مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) شرکت کرده‌اند گواه و شاهد صحت گفتار و عمل آن بوده‌اند که همین موضوع باعث استقبال بی سابقه اقشار مختلف مردم بویژه قشر تحصیل‌کرده و متخصص بوده است (بویژه متخصصین دین و عرفان، پزشکی و روانپزشکی و...)

ثانیاً: درمان و فرادرمانی شعار نیستند بلکه تحت عنوان طب‌های مکمل ایرانی (فرادرمانی - سایمتولوژی) که رشته‌هایی هستند کاملاً ملموس و عملی و قابل تحقیق و بررسی‌های علمی که آزمایشهای موفقیت آمیز خود را علیرغم تحریمهای همه جانبه عوامل مافیای دارو و مخدر، انحصارطلبان و ... پشت سرگذاشته است. (رجوع به ویژه‌نامه‌های «طب کل‌نگر» و «دانش پزشکی»: ← پیوست ۱۰ تا ۱۵)

ثالثاً: با رجوع به کتاب «انسان از منظری دیگر» (ص ۸۸، ← پیوست ۲):

«ب: راه جمعی (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا. آل عمران ۱۰۴)؛ راه جمعی راهی است که در آن فرد با کمک یک شخص متصل کننده در حلقه وحدت قرار می‌گیرد. این حلقه مطابق شکل (۱۴-ب) سه عضو دارد: شعور کیهانی، فرد متصل کننده و فرد متصل شونده. با تشکیل حلقه بلافاصله «فیض الهی» در آن به جریان افتاده و انجام کارهای مورد نظر از طریق حلقه‌های مختلف در چارچوب این عرفان تحقق می‌پذیرد. برای تحقق حلقه‌ها وجود سه عضو ذکر شده کافی است، در این صورت عضو چهارم «الله» خواهد بود.

عرفان حلقه بر مبنای راه جمعی (إِعْتَصِمُوا) ایجاد اتصال کرده و فیض الهی نیز در آن جاری میشود. تشکیل این حلقه مطابق (شکل ۱۴-ب) است»:



همچنین بر طبق قانون ارتباط انسان با خدا (ص ۹۳) همانطوری که جهت فلش انسان به سمت خدا نشان می‌دهد این ارتباط مشمول اصل **إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** و **فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ** می‌باشد و امکان ارتباط انسان با شبکه شعور کیهانی یا کارگزاران الهی وجود ندارد و آنها فقط به امر خداوند اراده و خواست او را به مورد اجرا می‌گذارند و در حلقه نیز فیض الهی توسط شبکه شعور کیهانی که مجموعه‌یی از کارگزاران (یدالله، روح القدس و ...) جاری می‌شود که برای انسان مشخص نیست که در هر موردی کدام یک یا کدام دسته از ملایک و کارگزاران الهی ایفای نقش می‌کنند. بنابراین «مفتی بی‌خدایی» با سوء نیت «روح القدس» را جایگزین شبکه شعور کیهانی نموده تا بتواند استفتای متقلبانه بازپرس اسدی در این رابطه را پوشش دهد.

لازم به ذکر است که همزمان با دستگیری اینجانب کلیه کتب و ... تألیفی اینجانب جمع‌آوری و با استناد به همین استفتای متقلبانه به آتش کشیده شده و سپس مطالب و کتب جعلی جایگزین آنها شده است که خوشبختانه مدارک به جا مانده این توطئه کثیف را خنثی نموده است. همچنین در این رابطه شکل فوق در کتاب «عرفان کیهانی (حلقه)» (ص ۸۳) به شرح توضیح این کتاب (← پیوست ۱) مخدوش شده است.

* ۱۷. ص ۱۸ :

«مفتری بی‌خدایی» در صفحه ۱۸ کتاب خود طی عملی متقلبانه و مزورانه با تبدیل کاما(ء) به نقطه(ء) در تعریف بند «ب: راه جمعی» اقدام به تقطیع متن نموده، با تبدیل آن به دو جمله جداگانه:

«برای وارد شدن به این حلقه ها وجود سه عضو- شبکه شعور
کیهانی، فرد متصل کننده و فرد متصل شونده- کافی است. در این صورت
عضو چهارم الله خواهد بود.»

نتیجه گرفته است که:

«طبق متن بالا این خدا چه باشد و چه نباشد اگر سه عضو دیگر
حاضر باشند اتصال اتفاق می‌افتد و فیض جاری می‌شود و عملاً به این
خدا نیازی نیست. جالب آنکه مؤلف با وجود سه عضو مذکور اعلام
کفایت می‌کند- دقت شود که وی نمی‌گوید سه عضو فقط لازم اند بلکه
می‌گوید کافی است- آیا غیر از این است که نام بردن از خدا فقط برای
این است که دیگران تصور کنند عرفان حلقه خدا باوراست؟»

همچنین در رابطه با تقلب فوق الذکر :

* ۱۶. ص ۱۷ :

«مفتری بی‌خدایی» در این رابطه بهتان و افترا می‌زند که:

«از یک طرف خدا در عرفان حلقه حذف و انکار نمی‌شود و ادعا می‌شود که عرفان حلقه عرفان خدامحور است و از طرف دیگر به وجودش نیازی نیست و مرئی و درمانگر و اتصال‌گیرنده هیچ کدام با خدا کاری ندارند و می‌توانند به او بی‌توجه باشند. مؤلف کتاب **عرفان کیهانی** برای شهود و کسب تجربه عرفانی، اتصال به شبکه شعورمندی کیهانی را کافی می‌داند».

- پاسخ:

همان طوری که از برداشتهای متقلبانانه و ادعاهای افتراآمیز فوق به خوبی واضح است و مغرضین جهت نشر اکاذیب و ترور شخصیتی از هیچ عملی ابا ندارند و کارشناسان امنیتی ثارالله در کسوت **مردم‌نمایی - روحانی‌نمایی** به منظور جلب اعتماد افکار عمومی و سند و مدرک‌سازی بظاهر مستند، دست به هر کاری می‌زنند تا بتوانند پاپوش سیاسی - امنیتی خود را به بهترین نحوی پوشش دهند.

* ۱۸. ص ۱۸ :

«مفتری بی‌خدایی» در ادامه برداشت متقلبانانه خود می‌گوید:

«... عرفان حلقه اگرچه به شکل صوری از خداوند نام می‌برد اما این خدا در عملیات اتصال‌گیری کاملاً غایب است با این توضیح که هم درمانگر و هم درمانگیر هر دو تنها با شعور کیهانی کار دارند و به ارتباط با این شبکه دعوت می‌شوند و غایت ارتباطشان کسب رضایت همین شبکه است و بس. پس خدا کجاست؟ پرستش خدا چه شد؟ استمداد از خدا کجا رفت؟ ...»

- پاسخ:

اولاً: با رجوع به پاسخ بند «ثالثاً» سؤال «۱. ص ۵» جواب همه سؤالات فوق داده شده است.

ثانیاً: «مفتری بی‌خدایی» با شگردی مزورانه ابتدا با توسل به تقلب، مطالب و متون عرفان حلقه را دچار تحریف و انحراف و مغلطه نموده و سپس بر اساس تغییرات ایجاد شده اقدام به طرح فرضیات ساختگی افتراآمیز می‌نماید و در انتها با قیافه حق به جانب مبادرت به طرح سؤالاتی می‌کند که بوضوح در متون کتب قانونی عرفان کیهانی (حلقه) وجود دارد؛ هرچند همان طوری که توضیح داده شد کارشناسان امنیتی با آتش زدن کلیه کتب اصلی اقدام به مخدوش کردن بعضی از اشکال و ایجاد تغییرات در بعضی متون نموده اند ولی باز هم مطالب موجود در کتابها خود گویای این نوع تقلبات می‌باشند.

* ۲. ص ۵ :

«یکی از علل گسترش نسبی حلقه در کشور بی تردید همین عامل است که خود را به لباس دین آراسته و با برچسب عرفان اسلامی به تبلیغ خود پرداخته و در نتیجه خودیها آن را دوست پنداشته اند.»

- پاسخ:

هرچند که دین عبارت است مذهب(شریعت) به اضافه عرفان؛ اما عرفان عملی مانند مذهب نیست که کسی با گذاشتن ریش و گرفتن تسبیح در دست، به دست کردن انگشتر عقیق، خواندن اوراد زیر لب و ... تظاهر به «باخدایی» نماید و چون به خلوت رفت آن کار دیگر را بکند- به نوار معشوقه بازی حجه الإسلام والمسلمین انهارى همکار امنیتی آقای حمزه شریفی دوست(← پیوست ۳۶) رجوع شود؛ همان کسانی که در بازداشتگاه به زور و تهدید قصد گرفتن اعتراف دروغین داشتن ارتباط نامشروع را داشتند- بلکه میدان آزمایش عملی است که فرد باید «کشف» خود را در معرض محک همگان قرار داده و در میدانی دشوار حقانیت خود را به اثبات برساند و ظاهرسازی نمی تواند کمکی به نتیجه این آزمایش بکند و هیچ برچسبی نیز به گواه تاریخ نمی تواند تغییری در نتیجه نهایی عرفان و عارف داشته باشد.

اما یکی از علل گسترش عرفان حلقه و مواجه شدن با استقبال بی سابقه، اتکا به خداوند متعال و توحید ناب آن، معرفی عرفان اسلامی به بهترین وجه ممکن چه از بعد نظری و چه از بعد عملی و عدم تناقض در گفتار و عمل بوده است. علل دیگر موفقیت جهانی آن عبارت اند از: مستقل و غیرالتقاطی بودن، سهولت فراگیری و به کارگیری، کارایی فوق العاده، جامع و کامل بودن، بی سابقه بودن، انسان شمول بودن،

عملی بودن و... همین قابلیت‌های بینظیر که برای اولین بار در تاریخ عرفان‌های دنیا رخ می‌دهد عامل اصلی آغاز هججه‌های همه جانبه از جمله نوشتن این قبیل کتابهای سخیف، افتراآمیز و ... گشته است.

* ۳. ص ۵ :

«تأیید بعضی از کارشناسان مذهبی صدا و سیما (از جمله آقای اسماعیل منصوری لاریجانی) در اوایل شکل‌گیری حلقه، در جلب اعتماد اقشار مسلمان به حلقه نقش بسزایی داشت. اگر چه این افراد بعدها اشتباه خود را پذیرفته و از حلقه اعلام براءت کردند و حتی حلقه را «فرقه‌ای خطرناک» نامیدند و درمانش را «سرکیسه کردن» مردم خواندند...»

- پاسخ:

اولاً: زمانی این عده از جمله جناب استاد دکتر لاریجانی جذب عرفان حلقه شدند که عرفان حلقه کاملاً شناخته شده بود و ایشان توسط شاگردانش در دانشگاه با عرفان حلقه آشنا شده و داوطلبانه به دنبال تحقیق و مطالعه در مورد این عرفان برآمده و من نیز با کمال میل پاسخگوی سؤالات ایشان بودم که در نهایت ایشان مهر تأیید بر عرفان حلقه به عنوان زیرمجموعه عرفان اسلامی زدند و آن را پذیرفتند.

ثانیاً: پس از دستگیری اینجانب (۸۹/۰۱/۲۹) تهدید همه جانبه دکتر لاریجانی (طبق صحبت‌های کارشناسان امنیتی در بازداشتگاه) مبنی بر دستگیری و اخراج از دانشگاه و صدا و سیما و ... از یک طرف و قرار دادن اطلاعات کذب و

ناروا در مورد من به ایشان (مانند عضویت در سازمان چریکهای فدایی خلق، ترور، تهدید، ارتباط با بیگانگان و ... طی مذاکره من با دکتر لاریجانی پس از آزادی از بازداشت در سال ۸۹ و همچنین کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی به هنگام دستگیری من و اطلاعات افترآمیز بسیار دیگری) از طرف دیگر باعث ایجاد شک و تردید نسبت به خود من و نه نسبت به عرفان حلقه- زیرا ایشان طبق فلسفه اسلامی بخوبی می‌دانند که: «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ»: ببین که چه گفته می‌شود و نگاه نکن به اینکه چه کسی آن را می‌گوید- برای وی شده بخصوص که ایشان هرگز تصور نمی‌کرده که مأمورین امنیتی تا این حد می‌توانند اهل دروغ و نیرنگ و اعمال فریبکارانه باشند. بنابراین اعلام برائت ایشان صرفاً به منظور مصونیت از تهدیدات کارشناسان امنیتی بوده است.

ثالثاً: دکتر لاریجانی بخوبی می‌دانستند که فعالیت آموزشی عرفان حلقه از طریق مؤسسه فرهنگی هنری عرفان حلقه ارائه می‌شده و افراد با ثبت نام و پرکردن فرم و ارائه عکس و ... دریافت پایان نامه و... انجام حتی خود ایشان هم برای این منظور عکس ارائه داده و پایان نامه دریافت کرده‌اند. بنابراین بخوبی می‌دانستند که هرگز با این تفصیل، صحبت از «فرقه» نبوده آن هم «فرقه‌یی خطرناک» و این تهمت صرفاً از پاپوشهایی بوده است که کارشناسان امنیتی به منظور سرکوب عرفان حلقه (به زعم اشتباه خود و به هر دلیلی) از اینگونه برچسبها استفاده کردند از جمله با تهدید و فشار از زبان ایشان.

رابعاً: دکتر لاریجانی و همه کسانی که با عرفان حلقه آشنایی دارند بخوبی می‌دانند که فرادرمانی و سایمیتولوژی از بابت درمان افراد جوهری دریافت نمی‌شود

و کاملاً رایگان است و پزشکان و روانپزشکان نیز فقط حق ویزیت معمولی خود را دریافت می‌کنند بنابراین این نیز از گفته‌های ایشان نیست بلکه افتراهای امثال نگارنده این کتاب است که از تهمت و افترا به دیگران هیچ اهمیتی ندارند و لباس روحانی تن آنها فقط برای پیشبرد و اهداف امنیتی می‌باشد نه برای آخرت و ...

خامساً: اما در خلال این چندسال که مرا در قرنطینه بازداشتگاه و در حصر نگهداشته تا بتوانند با منع و خلع دفاع بتوانند از طریق این قبیل کتب، مجلات، فیلمها، برگزاری همایشها و ... نشر اکاذیب نموده و اقدام به ترور شخصیتی کرده و عرفان حلقه و مرا با این افتراها و مطالب خلاف واقع، شهادتهای دروغین، استنادات جعلی و ... در انظار مردم لجن‌مال کنند که به حول و قوه الهی همه این ترفندها و شگردهای شیطان به طور مداوم آشکار شده و بی اعتباری دشمنان و مغرضین را به همراه داشته است و سازگاری عرفان حلقه را با آموزه های عرفان اسلامی به اثبات رسیده است.

* ۴. ص ۶:

«دیگر باورهای این گروه از جمله باور به تناسخ که با نام کالبد ذهنی به میدان آمده»

- پاسخ:

عرفان حلقه هیچ گونه اعتقادی به تناسخ ندارد و آن را مردود دانسته است. (رجوع به مقاله «نگاهی به تناسخ»: چندمقاله، ص ۱۹۵ ← پیوست ۵) در ضمن به «ایجاد مزاحمت ارواح سرگردان افراد متوفی برای انسانها» تناسخ گفته نمی‌شود.

* ۵. ص ۶:

«باور به تقدس شیطان که همسویی محسوسی با فرقه شیطان پرستی دارد.»

- پاسخ:

همسویی با فرقه شیطان پرستی همین بستن افتراها و تهمت‌هایی است که «مفتری بیخدایی» با وجود کتب قانونی عرفان حلقه، مقالات و وجود چندین هزار شاهد که دوره‌های عرفان مؤسسه را گذرانیده‌اند به آن مبادرت می‌کند (البته با همدستی سایر کارشناسان امنیتی). عمده آموزه‌های عرفان حلقه ضمن دعوت به توحید ناب (اصل ۵۳، ص ۱۱۹) اجتناب از شبکه منفی، غرور، منیت، دعوت به خود (رجوع به: اصل ۲۵، ص ۸۸، اصل ۲۹، ص ۹۳، اصل ۶۲، ص ۱۳۱، اصل ۶۴، ص ۱۳۶) و ... عرفان کیهانی (حلقه) [← پیوست ۱] می‌باشد.

* ۶. ص ۱۰ :

«مفتری بی‌خدایی» در صفحه ۱۰ می‌گوید:

«از این رو سخن صحیح آن است که بگوییم: نفوذ به کنه ذات الهی محال است؛ اما شناخت اجمالی و معرفت به خداوند (به قدر وجودی انسان) هم شایسته است و هم بایسته.»

و قبل از این گفته در همین صفحه مدعی می‌شود که:

«مشکل عرفان حلقه این است که شناخت خدا را از ریشه منکر شده است و تفاوتی بین شناخت اجمالی و شناخت به کنه قائل نشده است. چون پایه‌گذار این جریان صریحا گفته که انسان از هیچ طریقی قادر به فهم خدا نیست...»

- پاسخ:

اولاً: با رجوع به صفحه ۱۲۷ کتاب **عرفان کیهانی (حلقه)** [← پیوست ۱]: «شناخت ذات خداوند بس دشوار و بلکه محال و امکان ناپذیر است. می‌توان شناخت ذات را شناخت **کنهی و ذاتی** و شناخت صفات و افعال را شناخت **وجهی و ظاهری** نامید. آنچه برای ممکنات در زمینه شناخت حق امکانپذیر است شناخت وجهی و ظاهری است ولی شناخت ذاتی غیرممکن است و...». مشخص می‌شود: تعریفی را که «مفتری بی‌خدایی» ارائه داده همان تعریفی است که در متون عرفان حلقه آمده است و ایشان با پوشاندن حقایق و تحریف متون، عرفان حلقه را متهم می‌کند که شناخت خدا را از اساس نفی کرده است تا بتواند فرضیات غلط و

مغرضانه بعدی خود را مطرح نموده و با پاسخهایی که خود به آنها می‌دهد محکومیت عرفان حلقه را قطعی کند.

ثانیاً: منظور از «فهم» شناخت اجمالی و ظاهری خداوند نیست بلکه رسیدن به ادراک کنه ذات است که محال می‌باشد وگرنه اطفال مهد کودک هم از شناخت اجمالی و ظاهری خداوند برخوردار اند که خدا یکی است؛ مهربان است؛ نزاییده و زاییده نشده و ... بنابراین شناخت انسان نسبت به ذات الهی از هیچ طریقی امکانپذیر نیست و انسان قادر به فهم آن نیست به هیچ وجه.

* ۷. ص ۱۰ :

«قرآن دنبال شناخت شهودی و قلبی انسانها نسبت به خداوند است و صد البته یگانه راهش را هم بندگی و حرف شنوی از پیامبران الهی دانسته است نه اتصال با شبکه شعور کیهانی و... !!!»

- پاسخ:

اولاً: شناخت شهودی و قلبی انسانها نسبت به خداوند همان رسیدن به باطن قرآن و ... است که در حیطه عرفان می‌باشد و از طریق سیر و سلوکهای عرفانی که می‌تواند به تعداد نفوس انسانها باشد (الطَّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ) و عرفان حلقه نیز یکی از این راههاست که با برخورداری از فیض و رحمت الهی امکان سیر و سلوک را برای رهروان فراهم می‌کند.

ثانیاً: بندگی و حرف‌شنوی از پیامبران الهی و وظیفه شرعی عمومی است که در حیطه مذهب (شریعت)، افراد لازم است تکالیف خود را به جا بیاورند ولیکن حیطه عرفان فراتر از این رفع تکلیف و ... می‌باشد و پیگیری سیر و سلوک اموری اضافه‌تر از آن چیزی است که شریعت به آن امر می‌کند که به آن عرفان گفته می‌شود. در طول تاریخ همواره عده‌ی مردم را به نام «عرفان» مجدداً به «شریعت» ارجاع داده‌اند و با این شگرد مودیان و پنهان جلوی رشد باطنی انسانها را گرفته و هر زمان هم که «عارفی» پیدا شده که به دور از چشم آنها موفق به کشف و شهودی گشته او را تکفیر و ... نموده و در نهایت به شهادت رسانیده‌اند و امثال این «مفتی بی‌خدایی» آنقدر خون انسانهای فرهیخته را در تاریخ بر زمین ریخته‌اند و آنقدر از طریق عرفان‌ستیزی به دین خیانت کرده‌اند که حساب آن را فقط خدا می‌داند.

ثالثاً: اتصال با شبکه شعور کیهانی به اختیار و اراده انسان نیست. (رجوع به: ۱)

* ۸. ص ۱۱ :

«عشق به خدا یا محبت به او؟» (ص ۱۱)

اولاً: بین «عشق» و «محبت» اختلاف از زمین تا به آسمان است. عشق پدیده‌ی است الهی که به اختیار، اراده و خواست انسان تحقق پیدا نمی‌کند چه در عشق زمینی و چه نسبت به خداوند؛ و تا از جانب خداوند انسان مشمول توفیق ابتلا به آن را پیدا نکند هیچ کس نمی‌تواند آن را برای خود ایجاد کند- کسی که این مطلب بدیهی را در مورد عشق نمی‌داند نباید به خود اجازه دست به قلم بردن و افاضه کلام

و دروغ بستن به دیگران بدهد؛ ولیکن «محبت»، «دوست داشتن»، «عشق ورزیدن» اموری است که عقل آن را پیشنهاد می‌دهد و همه از اطفال تا پیرمردها و پیرزنها در هر موردی که هر لحظه مایل باشند نسبت به آن می‌توانند اظهار محبت، عشق و ... کنند و هر لحظه نیز که خواستند نظر خود را عوض کرده ابراز تنفر و انزجار کنند و نفرت بورزند.

ثانیاً: «مفتری بی‌خدایی» در صفحه ۱۲ می‌گوید: «باید پرسید: آقای طاهری در کجای کتابهایش همین مرحله یعنی امکان محبت (که محبت به خداوند امکانپذیر است) را پذیرفته (لزموش پیش کش!)؟» باید گفت همه متون عرفان حلقه میل شدید به قرب الی الله را در ظاهر و باطن خود فریاد می‌زند که این خود بالاترین محبتهاست اما استناداتی را به شرح مختصر ذیل جهت شرمنده کردن «مفتری بی‌خدایی» ارائه می‌گردد:

«به نام خدای رحمن و رحیم، خدای عشق و عشق؛ خدایی که رحمانیتش عشق را در هستی جاری کرد و از فیض رحمانی خود به هستی جان بخشید و از این بخشش و حُب بود که عوالم ...» (مقاله «خدای عشق و عشق»: چندمقاله، ص ۱۳)

«الصلوة را اتصالی یافتم بین خود و او که می‌خواهم مقیم آن باشم و با آن ساکن سرکوی او شوم؛ می‌خواهم مقیم اتصالش باشم تا حضورش را دریابم. الصلوة اتصال با او است و ...» (تأملی درباره الصلوة: چندمقاله، ص ۲۱)

«اصل ۶۶: ... در عرفان کیهانی (حلقه) عبادت از روی عشق الهی مورد نظر میباشد.» (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۱۳۹)

«اصل ۵۲: دعا در عرفان کیهانی (حلقه) به منزله درخواست کمال و عشق الهی و رسیدن به او است.» (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۱۱۷)

«اصل ۳۲: اشتیاق تنها عامل محرک در راه رسیدن به کمال است و کلیه دریافتهای انسان مزد اشتیاق اوست.» (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۹۹)

اما محبت نسبت به خداوند، نه در شعار بلکه در عمل تحقق پیدا می‌کند:

«نام خداوند در رأس همه نامها قرار دارد و خواندن و استعانت فقط سزاوار اوست و نقض آن شرک است. (اصل اجتناب از من دون الله)» (اصل ۵۳: عرفان کیهانی (حلقه)، ص ۱۱۹) و...

آیا اینها عشق‌بازی به خداوند و ابراز محبت به او محسوب نمی‌شوند؟

* ۹/ص ۱۳ :

«خلاصه اینکه عرفان حلقه در این خصوص نتوانسته بفهمد برای داشتن رابطه عاشقانه با خداوند اذعان به هستی مطلقش کافی است و لازم نیست که آدمی به خداوند احاطه پیدا کرده و چپستی او را به دست آورد و آنگاه عاشق او شود.»

پاسخ:

عرفان حلقه بخوبی می‌داند که حتی کودکان هم با خداوند رابطه عاشقانه دارند و انسان هرگز نمی‌تواند به خداوند احاطه پیدا کند و چپستی او را بفهمد اما چیزی را که «مفتری بی‌خدایی» نمی‌تواند بفهمد این است که انسان اصلاً نمی‌تواند خود را عاشق کند چه نسبت به انسان و چه نسبت به خدا و برای عاشق شدن فقط باید مشمول توفیق الهی شد که آن هم به اختیار، اراده و خواست انسان نیست. (همچنین رجوع به: ۸~۶)

* ۱۰. ص ۱۳ :

«به عبارت دیگر در حلقه، عشق خدا به انسان مانع از عشق انسان به خدا فرض شده است.»

- پاسخ:

«مفتری بی‌خدایی» با تحریف مطالب نتیجه‌گیری غلط و باطل نموده (البته عامداً). علت اینکه انسان به اختیار و خواست و اراده خود نمی‌تواند عاشق خدا بشود این نیست که چون خدا عاشق انسان است! بلکه به این دلیل است که اصلاً اجازه عاشق شدن انسان به اراده و خواست خداوند متعال است و اگر انسان مشمول عشق الهی شود (همان گونه که در اکثر ادعیه این درخواست می‌شود) طبیعتاً این عشق دوطرفه خواهد بود. زاهد ار ره به رندی نبرد معذور است عشق کاری است که موقوف هدایت باشد

* ۱۱. ص ۱۴ :

«فراموش نکنیم پایه گذار عرفان حلقه همین اشتباه را در مورد عشق انسان به مظاهر جهان هستی هم مرتکب شده است؛ یعنی تصور کرده که عشق انسان به دیگر کائنات مانع از عشق انسان به خداوند است.»

- پاسخ:

کماکان شگرد «مفتری بی‌خدایی» تحریف مطالب و نتیجه‌گیری غلط و باطل در سرتاسر این کتاب ماندگار تکرار می‌شود. در پاسخ باید گفت: عشق انسان صرفاً معطوف به دیگر کائنات نیست. در اصل ۵۹ ص ۱۲۴ آمده که «انسان می‌تواند فقط عاشق تجلیات الهی یعنی مظاهر جهان هستی شود» و تجلیات الهی مظهر أسماء و صفات الهی است. علت آن هم این است که انسان قادر نیست عاشق ذات خداوند شود و لیکن وسع وجودی او در حد عشق به أسماء و صفات خداوند می‌باشد و این اثر، نشان مؤثر را در خود دارد.

روشن بنگر که آفتاب است آن نور که خوانیش تو مهتاب

مانند اینکه به مهتاب نگاه کنیم نور خورشید را در می‌یابیم در حالی که مستقیم نمی‌توان به خورشید نگاه کرد و شدت نور آن انسان را کور می‌کند. بنابراین تجلیات الهی یا همان تجلی أسماء و صفات را می‌توان درک کرد و عشق ورزید ولیکن ذات حق را نمی‌توان به محدوده گنجایش وجودی خود در آورد. بقیه سؤالات مطروحه «مفتری بی‌خدایی» در ادامه این بحث از مبطلات و مفروضات ابلهانه است و اصلاً در خور بحث نیست (رجوع به: «انسان از منظری دیگر»، ص ۹۸، هدف از فرادمانگری)

* ۱۲. ص ۱۵ :

استناد به اشخاص و مدارک مجهول و مجعول مانند «بعضی از مسترهای حلقه» (ص ۱۵ و ۸)، «مراجعه شود به کامنتهایی که هواداران عرفان حلقه در سایت نجات از حلقه داشته اند» (ص ۱۵) و ... «مفتری بی‌خدایی» خود اقدام به استناد به اشخاص و مدارک خودساخته و مجعول نموده و بر حسب مباحثات فرضی آنها مبادرت به پاسخگویی و طرح مسائل دیگر می‌نماید تا در ضمن آن مباحث اغراض شخصی خود را پیاده کند. از جمله موارد بعدی:

* ۱۳. ص ۱۵ :

«عجبا! این چه استدلالی است که اصرار دارند هر طور شده خود خدا را متعلق عشق ندانند و (همان طور که او را از حلقه وحدت بیرون انداخته اند) خدا را از دایره عشق نیز اخراج کنند!!!؟»

- پاسخ :

اولاً: رجوع به: بند ۸ تا ۱۱

ثانیاً: خداوند خالق «حلقه وحدت» است و همه چیز به او تعلق دارد و ضمن اینکه با همه چیز هست به هیچ چیز تعلق ندارد و... بنابراین به کار بردن الفاظ و عباراتی مانند «بیرون انداختن خداوند از حلقه وحدت» بسیار زشت و زننده و سخیف است که خداوندی را که خالق حلقه وحدت است گفته شود او را از این

حلقه بیرون انداخته اند (آن هم از زبان یک روحانی نما). همچنین خداوند متعال خالق دایره عشق است که کل مخلوقات بر گرد مرکز این دایره در چرخش اند؛ کسی با سخن ابلهانه‌یی بگوید: «خدا را از این دایره بیرون انداخته اند» و چنین اراجیف و ...

* ۱۴. ص ۱۵ :

«آیا تا به حال دقت کرده اید که در عرفان حلقه بین خداوند و صفاتش مرزبندی قائل شده و سخن از تفکیک ذات و صفات می‌رانند؟»

- پاسخ:

«مفتی بی‌خدایی» به حدی در افترا زدن و دروغ بستن حرفه‌ای است که حتی خود را ملزم به ارائه هیچ سند و مدرکی نمی‌داند و فکر می‌کند که لباسی را که به تن دارد این اجازه را به او می‌دهد که چشمها را ببندد و هرچه دلش خواست بنویسد. به هر حال دلیل و مدرکی برای نشر این اکاذیب و اراجیف وجود ندارد.

* ۱۵. ص ۱۷ :

«انسان عکس العملش در مقابل عشق خداوند این است که با بندگی و اطاعت از خداوند خود را عاشق نشان دهد و با پیمودن مسیر بندگی، به خداوند اظهار عشق نماید.»



- پاسخ :

اولاً: خود را عاشق نشان دادن و اظهارعشق با عاشق شدن تفاوت بسیار زیادی دارد. (رجوع به: بند ۸ تا ۱۱)

ثانیاً: (رجوع به ۷): بندگی و اطاعت از خداوند وظیفه شرعی عموم است و در حیطة مذهب (شریعت): حیطة عرفان فراتر از این است.

* ۱۹. ص ۲۰ :

«... اما در عرفان حلقه کسی که شعور کیهانی را بیابد دیگر با خدا کاری ندارد و باید با خدا خداحافظی کند!»

- پاسخ :

تهمت و افتراء بی پایه و اساس. (رجوع به: ۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸) اصلاً مشخص نیست که مفتتری بر چه پایه و اساسی این قضاوتهای نابخردانه را به عمل می آورد.

* ۲۰. ص ۲۱ :

«باور عرفان حلقه به خدا پذیری این گونه است که خداوند شبکه شعور کیهانی را آفریده و این شبکه نماینده تام الاختیار خداوند در هستی بوده و برای به کار بستن قوای خود نیاز به هیچ مکملی ندارد. این شبکه

ماهیتی به نام شعور را در خود جای داده که وظیفهٔ خلق و ایجاد و رساندن موجودات به سرمنزل مقصود را به عهده دارد و عمل مهم فرادمانی هم از موهبت‌های همین شبکه است (انسان از منظری دیگر: ص ۱۲۸) به طور مثال معتقدند اگر کسی بتواند به عنوان جزء با کلّ خود که همین شبکه است تماس بگیرد حتی می‌تواند مانند خداوند شفا دهد و مظهر «الشافی» واقع شود.»

- پاسخ:

اولاً: کلیه مطالب فوق الذکر کذب و افترا می‌باشد و نبوغ ساخت و پرداخت اینهمه دروغ حقیقتاً اعجاب انگیز است و به طور قطع برای چنین ادعاهایی کذبی هیچ گونه سند و مدرکی وجود ندارد (البته «مفتی بی‌خدایی» به ارائهٔ سند و مدرک نیاز ندارد!!!)

ثانیاً: آدرس ارائه شده («انسان از منظری دیگر» ص ۱۲۸) غلط بوده و چنین مطلبی در آنجا وجود ندارد.

ثالثاً: در مورد ارتباط جزء با کلّ که از موضوعات اصل همه عرفانها می‌باشد در کتاب «انسان از منظری دیگر» ص ۲۲۷ اینگونه آمده:

«اگر انسان با کل ارتباط برقرار نکند مانند آسیابی خواهد شد که نمی‌داند برای چه هدفی می‌چرخد؛ در حالی که درک این هدف از رسالت‌های مهم انسان است.»

و: «بین انسان و آسیاب فرق بسیار است. یک آسیاب شاید نتواند با کل خود ارتباط برقرار بکند و علت چرخش خود را بفهمد ولی انسان

موجودی است که می‌تواند با کل، ارتباط برقرار کرده و بفهمد که در جهان هستی چه نقشی را قرار است بازی کند.»

حال عقل انسان مات و مبهوت می‌ماند که از این متن ذکر شده «مفتری بی‌خدایی» چگونه نتایج بالا را گرفته و برای خود داستان سرایی کرده که فرضاً این شبکه نماینده تام‌الاختیار بوده و ... یا اگر کسی بتواند با کل خود که همین شبکه است ... تنها مطلبی که میتوان گفت این است که جز غرض‌ورزی کور ابلهانه هیچ چیز دیگر نیست .

ثالثاً: «کل»، خداوند متعال است نه شبکه شعور کیهانی که یکی از مخلوقات

خداوند است. (رجوع به: ۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸)

*** ۲۱. ص ۲۲ :**

«حال سؤال این است با وجود این شبکه و توانمندیهای شگرفش، انسانها چه احتیاجی به خود خدا دارند؟ این شبکه عملاً آمده تا انسانها به جای تمسک به خدا به آن چنگ زنند و نیازهایشان را از او طلب کنند و شفا را از او بخواهند و در نهایت به محض دست یافتن به او، قانع شده و آرام بگیرند.»

- پاسخ:

شبکه و توانمندیهای شگرفش در حلقه‌ای به نام «حبل الله» و به دنبال اتصال «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» و جاری شدن فیض الهی در حلقه به منصفه ظهور می‌رسد و شبکه شعور کیهانی به عنوان یک مخلوق (مجموعه‌یی از کارگزاران الهی) از خود چیزی ندارد. همچنین با توجه به اتصال «ادعونی...» و اصول «أَيَاكَ نَسْتَعِينُ» و «فَأَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» (قانون ارتباط انسان با خدا: انسان از منظری دیگر، ص ۹۳) جایی برای تمسک به غیر از خدا در عرفان حلقه نیست و طبق اصل ۵۳ عرفان کیهانی (حلقه)، ص ۱۱۹:

«نام خداوند در رأس همه نامها قرار دارد و خواندن و استعانت فقط سزاوار اوست و نقض آن شرک است (اصل اجتناب از من دون الله). مهمترین مصادیق بارز شرک عبارتند از: شخص پرستی، روح پرستی، مرده پرستی، مکان پرستی، خودپرستی، دنیاپرستی، ظاهرپرستی...».

بنابراین عرفان حلقه بر مبنای توحید ناب استوار است و این افتراها به آن و بنیانگذارش نمی‌چسبند. در ضمن شبکه شعور کیهانی قابل یافتن نیست و فقط به امر خداوند می‌باشد. (رجوع به: ۱)

* ۲۲ / ۲۲ ص : ۲۲ :

«آیا تا به حال از خود پرسیده اید چرا عرفان حلقه به اسامی خداوند هم روی خوش نشان نداده و حتی نام زیبای **بسم الله الرحمن الرحيم** خوانده نمی‌شود و به جایش جملهٔ **به نام بی نام او** گفته می‌شود؟ البته این سنت را شخص آقای طاهری بنیاد نهاد و بسیاری از متون و جزوات آموزشی عرفان حلقه اکنون به همین صورت در فضای مجازی قابل دسترسی اند...»

پاسخ:

اولاً: کلیهٔ کتابها، مجلات و مقالات تألیفی اینجانب (حتی کتب، مجلات و مقالات تألیفی من از پنجاه عنوان کتابم و ... که در زمان حصر من توسط شاگردان مؤسسه منتشر شده‌اند که توسط کارشناسان امنیتی نیز دستکاری شده‌اند) بدون استثنا با «**بسم الله الرحمن الرحيم**» آغاز شده و در آنها از نام خدا صحبت شده است که به منظور اثبات تهمت و افترای «مفتری بی‌خدایی» به چند مورد به شرح ذیل استناد می‌شود:

«...خداوند یگانه است و بدرستی که او خدای عشق است. و **بسم الله الرحمن الرحيم** گواهی بر عشق اوست؛ اسم اعظمی که از ازل تا ابد بر لوح هستی حک شده است.

اسم اعظم پیش ما باشد قدیم یعنی **بسم الله الرحمن الرحيم**»

(مقاله «خدای عشق و عشق»: چندمقاله، ص ۱۸ ← پیوست: ۵)

«او در هر جهانی متناسب با آن جهان نام و نامهایی دارد و نام او تجلیش در آن جهان است. در اینجا نیز کلمات لباس جسم پوشیده است و نشانه‌هایی از نام مقدس او به شمار می‌رود و هر جزئی از اجزای عالم هستی نامی است از نامهای او. باد و باران، ماه و خورشید، زمین و آسمان و هر سو به هر چه نظر اندازیم روی اوست و هرچه را که بخوانیم نام او را آورده ایم و این جبرانی است بر کوتاهی آستانه فهم ما که با نگاه کردن به ماه پی به خورشید تابان می‌بریم و با دیدن تجلیات «او» او را در می‌یابیم و «بسم الله» یعنی به نام او یعنی به نام همه تجلیاتش و این نام با عظمت، لزوم نگاه احترام آمیز به تجلیات او یعنی احترام قائل شدن برای جهان هستی را خاطر نشان می‌کند.» (مقاله «تأملی درباره الصلوة: چندمقاله، ص ۲۲).

لازم به ذکر است که:

«در عرفان هر موجودی مظهري از اسمای الهی است و در فلسفه هر اسمی رتبه خاصی از وجود را دارد که تعدی از آن حد و مقام تکویناً برای آن ممکن نیست.» (آیت الله جوادی آملی: توحید در قرآن، ص ۲۳۰)

و همچنین:

«چون هر موجود امکانی به تمام ذات و صفت و فعل خود نشانه خدای بی نشان است پس از خود چیزی ندارد؛ زیرا در آن حال حاجب بود نه آیت؛ برای آنکه هیچ مستقلى غير خود را نشان نمی‌دهد؛ چه اینکه پندار استقلال نیز پرده شهود است و نمیگذارد خدای متجلی را مشاهده نمود با اینکه به هر سمت و سوی که بنگرید چهره فیض خدا آشکار است:

فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ؛ به هر سو رو کنید آنجا روی خداست. ولی انسان مختال و متوهم که در پرده پندار خودبینی یا دیگربینی به سر می‌برد از دیدار حق محروم است.» (اطلاعات: ۹۵/۱۲/۱۴، آیت الله جوادی آملی. ← ضمیمه ۱۵ ب)

همچنین :

«در هستی شناسی عرفانی، جهان نتیجه تجلی اسمائی و صفاتی حق تعالی است و هر یک از موجودات، مظهر اسمی از اسمای شریف الهی می باشند و در این میان، تنها انسان است که جامع جمیع صفات الهی است و استعداد وصول به حقیقت آنها را دارد. از این رو وی را مظهر اسم «الله» دانسته اند زیرا «الله» از میان تمامی اسماء دارای برتری و فضیلت خاصی است و کمالات سایر اسماء را در بردارد.» (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۱۳۴)

و:

«از این رو، برتری و فضیلت انسان محصول تضاد درونی اوست چون او مظهر اسم جامع «الله» می باشد... (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۱۳۶) و...»

بنابراین: بوضوح به اثبات می‌رسد که متون تألیفی اینجانب پر است از اسماء الله و مراتب مختلف تجلی و سیر به سوی کمال الهی.

ثانیاً: جمله «به نام بی نام او» مربوط به یکی از سروده هایم می باشد :

در امتداد شب نشینیم و طلوع کنیم	به نام بی نام او بیا تا شروع کنیم
به یک تلنگر ساده بیا تا رجوع کنیم	مهم نیست چگونه و چطور و چند
چرا غرور و تفاخر بیا تا رکوع کنیم	بین که خاک چگونه به سجده افتاده است

اما مغرضین کوردل (ازجمله «مفتری بی‌خدایی») به علت اینکه اشاره به مرتبه و مقام «بی‌نامی» خداوند شده و از فرط غرض‌ورزی و بی‌سوادی آن را دستاویزی قرار داده تا ادعا کنند که در عرفان حلقه نامهای خداوند (یا همان طوری که در متن کتاب «مفتری بی‌خدایی» آمده: نام زیبای بسم الله الرحمن الرحیم) خوانده نمی‌شود و ... و حتی با نفوذ در دادگاه و قراردادن این جمله را به عنوان یکی از دلایل، حکم اعدام سفارشی گرفته‌اند (طبق سند ← پیوست: ۸) که در آذر ۹۴ توسط دیوان عالی محترم کشور نقض شده است؛ ولی این نکته به عنوان نقطه سیاهی در تاریخ تفتیش عقاید معاصر و صدور حکم اعدام برای سرودن یک شعر ثبت شده است.

توضیح اینکه نزول حق تعالی به مراتب امکانیۀ پایینتر در عرفان تابع چندین مرتبه است که عبارت اند از:

- مرتبه «لا اسم له و لا رسم له» یا مرتبه غیب الغیوب، کنز مخفی، غیب مصون، مقام مبدأ المبادئ و... که در این مرتبه حق تعالی فاقد هرگونه اسم و صفت می‌باشد و بی‌نام و بدون توصیف بوده و بالاترین مقام حق تعالی است (اشاره به «بی‌نامی» خداوند اشاره به این مرتبه می‌باشد).

- مرتبه ظهور حق بر اعیان امکانیه و تجلی ذات در مقام اسماء و صفات که در این مرتبه اسماء و صفات الهی پدیدار می‌گردد (تجلی اسمائی).

- مرتبه تجلی افعالی حق که در این مرتبه، ممکنات تجلی پیدا می‌کنند. به این مرتبه تجلی افعالی خداوند نیز گفته می‌شود. (عرفان کیهانی (حلقه): ص ۱۲۶ و اصل ۶۰)

با توجه به مطالب فوق الذکر بوضوح غرض‌ورزی دشمنان عرفان حلقه به اثبات می‌رسد و همچنین بیسوادی و کوردلی آنها که حداقل برای لجن پراکنیهای

خود و رعایت حدود، مطالعه‌ی اجمالی در حوزه عرفان به عمل نیاورده‌اند تا اینگونه برای خود رسوایی ابدی را رقم نزنند. (زیرا این کتاب، حکم دادگاه و... ماندگار خواهند بود.)

ثالثاً: مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) هیچ‌گونه جزوه منتشر نکرده است؛ همچنین هیچ‌گونه مطلبی که به «به نام بی نام او» مزین شده باشد (هرچند که «به نام» اشاره به مرتبه «اسماء الهی» و «بی نام» اشاره به مرتبه «غیب الغیوب» الهی بوده و گفتن «به نام بی نام او» در حیطه عرفان هیچ‌گونه اشکالی نمی‌تواند داشته باشد) از طرف من و مؤسسه‌ام صادر و یا منتشر نشده است و اگر موردی وجود داشته باشد مربوط به بعد از حصر اینجانب در قرنطینه بازداشتگاه بوده که به احتمال زیاد با توجه به اینگونه بهانه جوییها، توسط خود کارشناسان امنیتی و از جمله خود «مفتی بی‌خدایی» که از کارشناسان ثارالله می‌باشد صورت گرفته است.

* ۲۳. ص ۲۲ :

«... عرفان حلقه نمی‌خواهد از این نامهای نیکو استفاده کند؟ جالب اینکه قرآن نقطه مقابل عرفان حلقه را دستور داده و می‌گوید: خدا را با نامهای نیکویش...»

- پاسخ:

«مفتری بی‌خدایی» با توسل به بهتان و دروغ ابتدا علیه عرفان حلقه طرح سؤال نموده و سپس با دادن پاسخ، دروغ و بهتان خود را تصدیق نموده و به آن قطعیت می‌بخشد و مشخص است که ایشان آموزش دیده و متخصص جنگ روانی می‌باشد.

* ۲۴. ص ۲۳ :

«شاید بگویید عرفان حلقه پرچمدار مبارزه با این نیروهاست و مدعی است این نیروها را از زندگی دیگران دور می‌کند! در پاسخ می‌گوییم: مسأله دقیقاً همین است که عرفان حلقه و اتصالاتش دقیقاً خود بسترساز نفوذ این نیروها در زندگی افراد شده و کسانی که اتصالات را تجربه می‌کنند نمی‌دانند که آلودگیها دقیقاً پیامد اتصالات است و هیچ ربطی به امراض قبلی فرد ندارد و ادعای بیرونریزی فریبی است که آلودگیهای عرفان حلقه را بپوشاند.»

- پاسخ :

اولاً: نتایج حاصل از طب‌های مکمل ایرانی «فرادرمانی و سایمتولوژی» بقدری درخشان بوده و تحقیقات گسترده با دستاوردهای چشمگیر آن در ایران علی‌رغم تحریمها و حجمه‌های همه‌جانبه عوامل مافیای دارو و مخدر، کارشناسان امنیتی، مغرضین و ناآگاهان کوردل بیسواد و ... به حدی شکوفا شده که درصد قابل توجهی از این طب‌های مکمل ایرانی بهره‌برده و از موهبت درمانی الهی آن برخوردار شده‌اند (حدود بیست شماره ویژه نامه مجلات «طب کل‌نگر» و «دانش پزشکی»، گوشه بسیار

کوچکی از نتایج علمی این دستاورد را به جامعه پزشکی و روانپزشکی معرفی نموده است) و دیگر جایی برای این گونه سمپاشیها، دروغ پردازیها، لجن پراکنیها و ... باقی نگذاشته است و تقریباً این دروغگوئیها برای عموم مردم معلوم و مشخص شده است و کاربرد این قبیل کتب، مجلات، فیلمها و ... صرفاً مصرف دادگاهی داشته تا خلأ ناشی از فقدان دلایل و مدارک علیه من و عرفان حلقه را با ضمیمه شدن به پرونده جبران نموده و پوشش دهند اما این دروغ پردازیها، افتراها و ... از دید تیزبین کاربران پنهان نمانده و حقایق من و عرفان حلقه و طب‌های مکمل زیرمجموعه آن را به همراه داشته است.

ثانیاً: با توجه به ادعاهای کذب «مفتری بی‌خدایی» اکنون می‌توان فهمید که چرا پس از اقدام به حصر من در قرنطینه بازداشتگاه بلافاصله تمام کتب، مقالات، مجلات «طب کل نگر» و «دانش پزشکی»، چندین هزار گزارش پزشکی بیماران (reports case)، گزارشات نتیجه شرکت در دوره های مؤسسه که به هنگام دستگیری و بازداشت موقت من توسط کارشناسان امنیتی جمع آوری و ضبط شده بودند همگی در بیابانهای اطراف به آتش کشیده شده اند و در جلسات دادگاه نیز اثری از این مدارک و مجلات وجود نداشت؛ زیرا با وجود این مدارک این قبیل ادعاهای کذب که «بیرونریزی» فریبی بیش نیست و ... دیگر جایگاهی نداشته و افترا بودن آنها مشخص می‌شود.

* ۲۵. ص ۲۳ :

«عرفان حلقه از آنجا که میداند بعد از اتصالات پای این نیروها به زندگانی افراد باز می‌شود با زرنگی از قبل اعلام می‌کند **حالت‌های غیرعادی** که بعداً عارض می‌شود بروز امراض قبلی شماست. در حالی که آنچه

عارض شده خود مرضی جدید و ناشناخته است که عرفان حلقه خود آن را ایجاد کرده و راه درمانش را نیز نمی‌داند. از این منظر باید گفت: عمل برونریزی در حقیقت درونریزی است.»

- پاسخ :

اولاً: اگر اینگونه بود که «مفتی بی‌خدایی» ادعا می‌کند تا به حال کاربران طب‌های مکمل ایرانی «فرادرمانی و سایمتولوژی» به آن پی برده و به سایرین توصیه نمی‌کردند و رشد آن متوقف می‌شد ولیکن در عمل، رشد روزافزون آن ثابت کرده است که تبلیغات سوء و سمپاشیهای گسترده که به منظور ترسانیدن مردم و تشویش اذهان عمومی از استفاده از این طب‌های مکمل (بنا به توصیه مافیها و...) نتوانسته نتایج درخشان حاصل از آنها و استقبال بینظیر مردم را تحت الشعاع قرار دهد و این توطئه و دسیسه‌ها دیگر نقش بر آب شده است.

ثانیاً: رجوع به: ۲۱

* ۲۶. ص ۲۴ :

«متأسفانه گاهی بعضی از افرادی که اتصالات را پشت سر گذاشته اند اعتراف می‌کنند که اتصالات اثر وضعی بر قوای روحی آنها گذاشته و گرایشهای معنوی و الهی را در وجود ایشان بسیار ضعیف کرده است حتی گاهی صراحتاً می‌گویند: گاهی آیات قرآن و کلام وحی بر زبان جاری

نمی‌شود و انگار موجودی در کنار ما ایستاده و ما را از این عمل نهی کرده و حتی ما را قفل می‌کند.»

- پاسخ :

اولاً: «مفتری بی‌خدایی» طبق روال این کتاب اشاره به اشخاص و استنادات جعلی، دروغین و خودساخته می‌نماید و از طرح آنها نتیجه‌گیریهای مزورانه نموده، بحث را به نتیجه دلخواه و مطلوب خود می‌کشاند.

ثانیاً: رجوع به: بند ثانیاً ۲۱

ثالثاً: وجود هزاران نفر شاهد که خلاف چنین ادعایی را شهادت می‌دهند و استشهادیه‌های مختلفی را در این رابطه امضا کرده‌اند (از جمله ارائه طومار پارچه‌یی با استشهاد جمع‌کنیری از کاربران عرفان حلقه و طب‌های مکمل زیرمجموعه آن در تاریخ ۹۵/۱۲/۱۶ ← پیوست ۱۸ توسط وکلا به دادگاه) نیز مشتمل محکمی به دهان یاوه‌گویان بوده و خواهد بود.

رابعاً: جای تعجب است که مدارک مستند مورد قبول قرار نمی‌گیرد اما گزارش‌های موهومی مانند آنچه که «مفتری بی‌خدایی» مطرح می‌کند مورد قبول است.

* ۲۷. ص ۲۵ :

«محرور نمودن افراد از نامها و اسامی خداوند در عرفان حلقه با هدف شکستن سد حرزهای رحمانی صورت می‌گیرد.»

- پاسخ:

بهتان و افترا است. رجوع به: بند ۱۹

* ۲۸. ص ۲۶ :

«پس خدا قابل شناخت نیست و نام بردن از او بی فایده است.»

- پاسخ :

اولاً: مطلب بالا (گذشته از اشکال منطقی که چیزی می‌تواند قابل شناخت نباشد ولی نام برده شود) نظر و عقیده «مفتری بی‌خدایی» است و در عرفان حلقه اعتقاد بر این است که (غیر از شناخت ظاهری و کودکانه) خدا را نمی‌توان شناخت ولی می‌توان و باید نام او را بر زبان جاری کرد و اصل «**اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ**» و «**فَاسْتَقِيمُوا اِلَيْهِ**» را در زبان و عمل رعایت نمود که نتیجه اش برخورداری از فیض الهی در حلقه های رحمانیت عام خداوند است که به اثبات رسیده است.

ثانیاً: رجوع به: ۲۴

* ۲۹. ص ۲۷ :

«چون هر طرف رو کنید وجه خدا را می بینید پس خداوند نام ندارد.»

- پاسخ :

مطلب فوق (صرف نظر از ایشکال منطقی که تسلط «مفتری بی‌خدایی» را به منطق نشان میدهد!!!) نظر و عقیده شخصی گوینده آن است؛ اما در عرفان حلقه اعتقاد بر این است که: «چون هر طرف رو کنید وجه خدا را می بینید» و خداوند نام دارد و همه نامها متعلق به اوست زیرا همه موجودات تجلی اسماء و صفات خداوند می‌باشند. (رجوع به: ۲۴)

* ۳۰. ص ۲۷ :

«یکی از هواداران حلقه می‌گفت: هرنامی نام اوست و خود بی‌نام است»

- پاسخ:

اولاً: طبق معمول شگرد «مفتری بی‌خدایی» استناد به اشخاص و مطالب مجهول و ساختگی و طرح مباحث موهومی و نتیجه‌گیری دلخواه و مطلوب در این ادعای کذب هم پیاده شده است.

ثانیاً: خداوند متعال در مرتبه غیب الغیوب مطلقاً بی‌نام است و در مرتبه اسماء و صفات با اسماء حسنی نامیده می‌شود و در مرتبه تجلی ممکنات از آنجا که هر موجودی تجلی و مظهر نامی از نامهای الهی است و بینهایت مظهر وجود دارد پس

همه نامها به او تعلق دارند (زیرا اگر به غیر از او تعلق داشته باشند دویبت و شرک پیش می-آید). (رجوع به: ۱۹)

* ۳۱. ص ۲۸ :

«آنچه در متون حلقه آمده منحصر کردن عبادت در خدمت به مخلوقات است ... عین عبارت پایه گذار حلقه این است: عبادت عملی به معنای در خدمت خداوند بودن است و چون او بی نیاز از هر عمل ما می باشد از این رو خدمت ما صرفاً (!) می تواند معطوف به تجلیات او شود. در نتیجه عبادت عملی در خدمت جهان هستی بودن (!) است؛ یعنی خدمت به انسان و طبیعت!»

- پاسخ :

اولاً: تعریف، ناقص ارائه شده؛ اصل ۶۵: «عبادت یعنی عبد بودن و به جا آوردن رسالت بندگی (یعنی اطاعت از اوامر الهی و ...)». عبادت بر دو نوع است: عبادت نظری و عبادت عملی. عبادت نظری ارتباط کلامی با خداوند و عبادت عملی ...»

ثانیاً: معطوف شدن به تجلیات الهی یعنی عطف به تجلی اُسماء و صفات (زیرا هر تجلی و مظهری نامی از نامهای الهی است و ...) که بالاتر این حد مقدور انسان نمی باشد.

ثالثاً: بر طبق آیات شریفه قرآن خداوند میفرماید هر کاری را که در جهت عبادت و ... انجام شود برای خود انسان است و او بی نیاز از این اعمال است:

- ... وَ مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ. (فاطر ٣٥ / ١٨)
- وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ. (عنكبوت ٢٩ / ٦)
- ... وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ. (لقمان ٣١ / ١٢)
- ... فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ... (أنعام ٦ / ١٠٤)
- ... فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ... (يونس ١٠ / ١٠٨)
- ... مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ... (جاثية ٤٥ / ١٥)
- ... إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ... (إسراء ١٧ / ٧)
- ... وَ مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ... (محمد ٤٧ / ٣٨)
- ... وَ مَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ... (نساء ٤ / ١١١)
- ... إِنْ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ. (إبراهيم ١٤ / ٨) وَ ...

* ۳۲. ص ۲۹ :

«چون خدا نیازی به عبادت ما ندارد پس ما هم از عبادت خدا بی نیازیم»

- پاسخ :

اولاً: در اینجا نیز طبق معمول، «مفتری بی‌خدایی» با توسل به «منطق غلط و ویژه و تخصصی خود» نتیجه گرفته که چون خدا نیازی به عبادت بندگان خود ندارد پس بندگان هم نیازی به عبادت او ندارند!!! و مشخص نیست اینگونه بررسیهای منطقی را در کجا آموزش دیده است.

ثانیاً: عرفان حلقه برای عبادت و ارتقای آن (طبق اصل ۶۶، ص ۱۳۹)، دعا (اصل ۵۲، ص ۱۱۷)، درک معرفت مراسم و مناسک مذهبی (اصل ۸۰، ص ۱۵۰)، گناه و صواب (اصل ۸۳، ص ۱۵۶)، کسب رضای خدا (اصل ۷۳، ص ۱۴۶)، رسیدن به مقام صالح (اصل ۷۴، ص ۱۴۷) و ... ارزش و اهمیت بسیاری قائل می‌باشد و در عرفان عملی آن را ارتقا می‌بخشد. همچنین مقالات عبادی بسیاری را در تأکید این مهم ارائه نموده است؛ از جمله: «تأملی درباره الصلوة» (ص ۱۹)، «معراج حج» (ص ۲۵)، «در رواق رمضان» (ص ۵۷)، «عید فطر جشن آزادی» (ص ۶۹)، «قدر غدیر» (ص ۸۳)، «اخلاق و عرفان» (ص ۱۴۳) و ... (کتاب «چند مقاله» ← پیوست ۵)

* ۳۳. ص ۲۹ :

«و در نتیجه اگر کسی نیاز به پرستش دارد باید تنها و تنها به انسان و طبیعت توجه کند؛ اما باید دانست منظور وی عبادت خاص است نه عبادت عام»

- پاسخ :

رجوع به: ۲۹ و ۲۸

* ۳۴. ص ۳۰ :

«بنابراین کلام وی در صدد نفی عبادت خاص از خداوند است که ملازم با نفی دستورات خاص شریعت به نماز و روزه و نذر و استغفار و ... است چون ملاک عبادت که همان نیازمندی است در هیچ کدام از این عبادات خاص وجود ندارد و خداوند به هیچ کدام محتاج نیست.»

- پاسخ:

اولاً: در رد ادعای کذب نفی عبادت خاص از خداوند در عرفان حلقه رجوع

به: ۲۹ و ۲۸

ثانیاً: طبق نمودار ۲۸، اعمال عبادی مانند نماز و روزه به عنوان خدمت به خود در جهت خودشناسی و خودسازی (خود فرد به عنوان یکی از

تجلیات الهی محسوب می‌شود) و نذر به عنوان خدمت به خود و دیگران به عنوان تجلیات الهی، استغفار به عنوان برقراری ارتباط کلامی با خداوند و به عنوان خدمت به خود به عنوان تجلی الهی محسوب می‌شوند. هدف از «عبادت جمال مطلق خداوند» ضمن تقدس بخشیدن عملی به اسماء و صفات الهی، اجتناب از ظلم نسبت به هستی و ... برداشتن منت ناشی از عبادت کردن انسان از خدا و خلق خدا می‌باشد زیرا برخی از افراد از اینکه عبادت می‌کنند بر خدا و خلق خدا منت گذارده و متوقع هستند.

اصل ۷۲: انگیزه اعمال مثبت انسان رسیدن به کمال است بنابراین هیچ منتی بر خدا و خلق خدا نمی‌باشد. (عرفان کیهانی^(حلقه): ص ۱۴۶)

* ۳۵. ص ۳۱:

«عرفان حلقه به صورت گام به گام و طی چند مرحله، از توحید قرآنی فاصله گرفته و در نهایت به بی‌خدایی متمایل شده است.»

- پاسخ:

عرفان حلقه با «خدا» و حلقه های رحمانیت و فیض او وجود دارد و نه با «بی‌خدایی»؛ اما «مفتری بی‌خدایی» نه گام به گام بلکه به یکباره و طی یک مرحله علی رغم داشتن کسوت روحانی، عدالت را به زیر پا نهاده، قرآن را فراموش نموده و در نهایت بی‌خدایی، به مصداق آیات شریفه «يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ...» (ابراهیم ۱۴ / ۲۷)، «وَ مَكْرُوا وَ مَكَّرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ

الْمَاكِرِينَ». (آل عمران ۳ / ۵۴) و... این کتاب را به رشته تحریر در آورده تا حقانیت عرفان حلقه و اینکه در مسیر خود با چه انسانهای بی منطق و ... روبرو بوده، بر همگان آشکار گردد و سندی باشد بر «بی‌خدایی دشمنان عرفان حلقه».

(۳۶ تا ۳۸، ص ۳۱)، (۳۹ تا ۴۲، ص ۳۲) و (۴۳، ص ۳۳):

ادعاهای کذب تکراری

* ۴۴. ص ۳۲ :

«داشتن ایمان و اعتقاد برای حضور در حلقه به هیچ وجه لازم نیست.»

- پاسخ:

ایمان و اعتقاد در افراد پس از آزمایش و اثبات عملی آن برای انسان ایجاد می‌شود آن هم به صورت قلبی و باطنی و قبل از این آزمایش از کاربران انتظار نمی‌رود که کورکورانه به حلقه ایمان و اعتقاد داشته باشند. (رجوع به: اصل ۴ عرفان کیهانی (حلقه)، ص ۵۸)

* * *

بِسْمِ تَعَالَى

جوابیه کتاب «بِ خَلْقِ دَرَعُوه حَلَقَه» و اعلام شکایات از نویسنده آلت (پوست ۲۸) :
 کتاب «بِ خَلْقِ دَرَعُوه حَلَقَه» نوشته آتنا همنه نویسنده دوست از جمله کتابهای است که کارشناسان امنیتی نثار الله به نظر رسانند علیه دارن آلمان
 کذب است و مطالب راه کفر و فرس و غیره که خلد نامی از عقول دلال و بارک حکیم جهت دستگیر و بازداشت مرتکب غیر قانونی من و موجب جلیه
 دارن آلمان و ستار کارشناسان امنیتی در خیال ایجاب در انکار همی و ...

اما وجود این کتاب خود سند و مدرک محکم دل بر حیوانه بودن اقدامات این گروه می باشد که با توسل به تعقیب و دروغ افتراء و تهمت و کینه
 خلطه و ... بشهر آفت در جهت نشر اکاذیب و تخریب شخصیت بافترا و ... که طبق عقولان هفت تن از طریقه محترم تقلید (ضمیمه ۱۳) فعلی حرام باشد
 در حالی که افتراها و اکاذیب و ... در هیچ روزگانه به اثبات نرسیده که به شریعه همین شکایات از نویسنده این کتاب باز و کثرت محترم است و نیز بواسطه عدم مجوز
 برای این قبیل کتاب های سفارشی و فرمایشی شکایات خود را تفسیر می دارد.

در ضمن، ایجاب از روزگاره سال ۹۰ به بعد مکرراً از کارشناسان امنیتی نثار الله (پوشه آتنا همنه) در جلسات مفوهام که در خیال کتابهای که به منظور
 اعلام تفریق اندک و همچنین نشر اکاذیب، تخریب شخصیت و ... انکون آنها چاپ و منتشر و ضمیمه کتب و نشر است مانند (میزبان حقیقت مستند!!!) و اجازه
 یا مستعمل و در بیابان راه شد. ولیکن، تاکنون مجوز اجازه یا مستعملی به کتاب امنه حلقه (که در آبان ۹۱ مجوز کارشناس (آگاه همنه) امنیتی گرفته و لیکن
 سال ۹۵ به خیال شکایات از ایجاب که گفته آن که نسخه نیست من باشد به روزگاره کویله شده آیا، الحان دغاب و یا مستعملی به سایر کتب و ... داده شد تا اینکه با به
 در حالت - من از روزگاره کتاب بی خلقی در عوالم حلقه در تاریخ ۹۶، ۲، ۱۲ در اختیارم گذاشته شد که حوالیه مختصر آن (بعین عدم اجازه در اختیار
 مکرر کردن حدیث یکصد و پنجاه و چهارم به باز نگاه کویله دادند) شرح پوست ارائه میگردد

همچنین، از روزگاره مترجم اجازه انشاء در حوالیه کویله که به علی ایجاب و عوالم حلقه چاپ و منتشر شده اند، طبق مانور مطبوعات و رعایت دولت
 اسلحه من نماید، زیرا در عوالم حلقه منظم آنگاه خواهد بود، هر چند که وجود این کتب و ... خود اسنادات محکم در اثبات «بِ خَلْقِ
 دشمنان عریان حلقه» می باشد.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

۱۶
 ۹۶، ۴، ۱۹

آنچه که در خلال بیش از یک دهه حمله همه جانبه به عرفان حلقه و بنیان‌گذار آن در جهت سم‌پاشی و نشر اکاذیب صورت گرفته، ثابت کرده است که مأموران امنیتی در کسوت‌های مختلف از هر طریقی برای کوبیدن و لجن مال کردن مکتب مرفعی عرفان حلقه استفاده کرده و برای پیشبرد اهداف شوم خود به هر گونه حربه، تقلب، تهمت و افتزایی توسل جست‌اند. در همین راستا، کتاب بی‌خدایی در عرفان حلقه یکی از این تلاش‌های مذبحخانه است که در رویارویی با اندیشه توحید ناب عرفان حلقه منتشر شده است. کتاب حاضر، جوابیه استاد محمد علی طاهری بنیان‌گذار مکتب عرفان حلقه به نویسنده آن کتاب سخیف می‌باشد که در تیرماه ۹۶ در بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین نوشته شده و در تاریخ ۱۹/۴/۱۳۹۶ در جلسه دادگاه نهایی رسیدگی به اتهام افساد فی الارض انتسابی، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به قاضی احمد زاده تحویل داده شد.

